

# تزه‌های عمومی

## دربارهٔ مسألهٔ شرق

### ۶- جبههٔ واحد ضد امپریالیستی

در کشورهای غربی که از دورهٔ انتقالی ای میگذرند که مشخصهٔ آن گردآوری سازمان یافتهٔ نیروها است، شعار جبههٔ واحد پرولتری اشاعه شد. در مستعمرات شرقی، هم اکنون لازم است که شعار جبههٔ واحد ضد امپریالیستی اشاعه یابد. متناسب بودن این شعار از پرسپکتیو مبارزهٔ طولانی علیه امپریالیزم جهانی، ناشی می‌شود، مبارزهٔ ای که بسیج تمام نیروهای انقلابی را ایجاب میکند. آنچه بر لزوم این مبارزهٔ هرچه بیشتر می‌افزاید این است که طبقات رهبری کنندهٔ بومی متعایل به سازش با سرمایه خارجی هستند و این سازش‌پورشی است به منافع اساسی توده‌های مردم. هم چنانکه در غرب شعار جبههٔ واحد پرولتری در افشای خیانت سوسیال-دمکراتها به منافع پرولتاریا سهیم بوده و هنوز هم هست، به همین منوال شعار جبههٔ واحد ضد امپریالیستی به افشای تزلزل و تردید گروه‌های مختلف ناسیونالیزم بورژوازی کمک خواهد کرد. از طرف دیگر، این شعار به انکشاف آزادانهٔ انقلابی و روشن شدن آگاهی طبقاتی کارگران، با برانگیختن آنها به مبارزه در صفا اول، نه تنها علیه امپریالیزم بلکه همچنین علیه هر نوع باقیماندهٔ فئودالیزم، کمک خواهد کرد.

جنبش کارگری کشورهای مستعمره و شبه مستعمره باید، قبل از هر چیز، موقعیت انقلابی مستقل در جبههٔ واحد ضد امپریالیستی بدست آورد. فقط در صورتیکه این اهمیت مستقل جنبش کارگری شناخته شده باشد و جنبش کارگری استقلال کامل سیاسی را حفظ کند موافقت‌های موقتی با دمکراسی بورژوازی قابل قبول و حتی لازم میشوند. تا زمانیکه تناسب نیروهای که امروزه وجود دارد به پرولتاریا اجازه نمی‌دهد اجرای برنامهٔ شورائی خود را در دستور روز قرار دهد، پرولتاریا از مطالبات جزئی پشتیبانی کرده، خود آنها را مطرح میکند، بطور مثال جمهوری دمکراتیک مستقل، اعطای حقوقی که زنان از آن محروم گشته‌اند به آنها، و غیره. در عین حال سعی میکند شعارهای مناسبی طرح کند که آمیزش سیاسی توده‌های دهقان و شبه پرولتر را بنا به جنبش کارگری تسهیل سازد. جبههٔ واحد ضد امپریالیستی بستگی ناگسستگی‌ای با جهت‌گیری بطرف روسیه شوروی دارد.

همانا یکی از نکات اصلی تاکتیک جبههٔ واحد ضد امپریالیستی اینست که برای جمع‌کنندهٔ کارگران لزوم اتحادشان را با پرولتاریای بین‌المللی و با جمهوری‌های شوروی روشن سازد. انقلاب مستعمراتی نمی‌تواند پیروز شود مگر در همراهی با انقلاب پرولتری در کشورهای غربی.

خطر سازش ناسیونالیزم بورژوازی با یک یا چند قدرت امپریالیستی متخاصم، به ضرر توده‌های مردم، در کشورهای مستعمره بسیار کمتر از کشورهای شبه مستعمره (چین - ایران) است، و یا از کشورهایی که با استفاده از رقابت‌های امپریالیستی برای استقلال سیاسی شان مبارزه میکنند (ترکیه). هرگونه سازش از این نوع بمعنی تقسیم قدرت بطریق کاملاً غیر متساوی مابین طبقات حاکمهٔ بومی و امپریالیزم است، و تحت پوشش استقلال صوری کشور را در موقعیت قبلی آن بمنزلهٔ یک دولت شبه مستعمره در خدمت امپریالیزم جهانی باقی می‌گذارد.\* با درک این که در زمانی که مبارزهٔ انقلابی آزاد بیخ‌ش غلبه امپریالیزم احتیاج به کسب فرصت تجدید قوا دارد، توافق‌های جزئی و موقتی میتواند قابل قبول و لازم باشد، طبقهٔ کارگر باید با هر نوع تمایلی بسمت تقسیم قدرت، مابین امپریالیزم و طبقات حاکمهٔ بومی، خواه این تقسیم آشکارا صورت گیرد، خواه در پوشش، شدت مخالفت ورزد.

رهبران این سه سازمان بین‌المللی نشان دادند که بمحض اینک پای عمل پیش می‌آید، آنها شعار وحدت کارگری را که خود داده بودند، کاملاً نفی میکنند. در نتیجه، وظیفهٔ مشخص انترناسیونال کمونیست و بخش‌هایش آن خواهد بود که دورویی رهبران کارگری را که اتحاد با بورژوازی را به وحدت کارگران انقلابی ترجیح میدهند، و بجای اینکه علیه کنفرانس امپریالیستی واشنگتن به پیکار بپردازند، از طریق باقی ماندن در دفاتر انترناسیونال کارخانه به‌شانهٔ جامعهٔ ملل حتی در کنفرانس امپریالیستی واشنگتن شرکت می‌کنند، نزد توده‌ها افشاکند. اما رد شدن پیشنهاد هایمان ما را مجبور به نفی تاکتیک که تجویز میکنیم، نمیکند، تاکتیک که عمیقاً مناسب با روحیهٔ توده‌های کارگروه و می‌بایست منظم و مصرانه بسط یابد. اگر پیشنهاد های ما در مورد عمل مشترک رد شدند، باید جهان کارگری را مطلع ساخت تا بدانند خرابکاران واقعی وحدت جبههٔ پرولتری چه کسانی هستند. اگر پیشنهادها داتمان قبول شدند، وظیفهٔ ما تشدید و تعمیق مبارزات آغاز شده است. در هر دو صورت مهم خواهد بود طوری عمل کنیم که مباحثات کمونیست‌ها یا سایر سازمانها، توده‌های زحمتکش را بیدار کرده، توجه آنها را جلب کند. زیرا باید حتماً توده‌های زحمتکش را به تمام تغییر و تحولات پیکار برای وحدت جبههٔ انقلابی تمام کارگران علاقمند ساخت.

۲۱- با تثبیت این طرح عمل، [کمیته] اجرائی توجه احزاب برادر را به خطراتی که ممکن است نتیجه شود جلب میکند. تمام احزاب کمونیست فاصلهٔ زیادی دارند تا به حد کافی مستحکم و سازمان‌یافته شده و ایدئولوژی‌های سانتریست و نیمه سانتریست را کاملاً مغلوب ساخته باشند. ممکن است زیاده روی شود و احزاب و گروه‌های کمونیستی را به بلوکهای نامتجانس بی‌برنامه تغییر دهد. برای اجرای موفقیت آمیز تاکتیک توصیه شده، لازم است که حزب قویاً متشکل بوده و رهبریش با بصیرت کامل عقایدش، مشخص شود.

۲۲- حتی درون انترناسیونال کمونیست، در دسته جاتی که به غلط یا درست، بعنوان راست یا نیمه سانتریست میشناسیم، بدون شک دو جریان وجود دارد. اولی، هرچند که از ایدئولوژی و متد های انترناسیونال دوم حقیقتاً آزاد شده، با وجود این نتوانسته خود را از احساس احترام نسبت به قدرت تشکیلاتی سابق، خلاص کند. و آگاهانه یا غیر آگاهانه، می‌خواهد پایه‌های وحدت ایده آل را با انترناسیونال دوم، و در نتیجه با جامعهٔ بورژوازی، دوباره جستجو کند. دومی، که با رادیکالیزم صوری و اشتباهات باصطلاح "چپ" می‌جنگد، می‌خواهد تاکتیک حزب کمونیست جوان را قابل انعطاف تر کرده و اختیار و امکان مانور دادن را به آن ببخشد تا توده‌های کارگر راحت تر وارد حزب شوند. تکامل سریع احزاب کمونیست گاهی این دو جناح را وادار کرده تا دوباره به هم ملحق شوند و حتی فقط یک جناح تشکیل دهند. بکار بستن دقیقانهٔ متد هایی که در بالا مشخص شدند و هدفش پشتیبانی دادن به آرتیسان‌های کمونیستی در آکسیون‌های توده‌های متحد است، به استحکام انقلابی احزاب ما حقیقتاً کمک خواهد کرد. و همانقدر که به عناصر ناشکیبا و سکتاریست تعلیم تجربی میدهد به همان نسبت از وزنهٔ مرگبار رفرمیزم خلاصشان میکند.

۲۳- از اتحاد جبههٔ پرولتری، می‌باید مفهوم اتحاد تمام کارگرانی را که خواهان جنگ با سرمایه داری هستند فهمید. در نتیجه شامل کارگرانی که هنوز پیرو آنارشیزم‌ها و سندیکالیست‌ها هستند نیز میشود. در کشورهای مختلف، این عناصر میتوانند بطور مفیدی در آکسیون‌های انقلابی شرکت کنند. از بدو آغاز، انترناسیونال کمونیست همیشه اتخاذ رویه‌ای دوستانه نسبت به این عناصر کارگر را که به پیش‌دوری‌های خود بتدریج فائق می‌آیند و کم‌کم به کمونیزم جذب می‌شوند، توصیه کرده است. کمونیست‌ها باید از این پس بهمان نسبت که جبههٔ واحد علیه سرمایه داری در راه تحقق است، به این عناصر بیشتر توجه کنند.

۲۴- جهت تعیین قطعی کار بعدی در شرایط مشخص شده، [کمیته] اجرائی تصمیم دارد در آیندهٔ نزدیک یک مجمع فوق العاده فراخواند که در آن تمام احزاب عضو توسط تعداد نمایندگان دو برابر تعداد همیشگی نمایندگی خواهند داشت.

۲۵- کمیتهٔ اجرائی بیشترین توجه را به تمام اقدامات عملی انجام شده در راهی که مشخص کرده معطوف خواهد داشت. و از احزاب مختلف می‌خواهد که آن را از جزئیات تمام اقداماتشان در این زمینه و تمام نتایج حاصله مطلع سازند.

\* این عبارت در متن فرانسه نیست، ولی در متن انگلیسی هست.

(اسناد بین‌الملل کمونیست، انتخاب و تدوین Jane Degras، لندن،

۱۹۷۱، جلد اول، صفحات ۹۱-۳۹۰.)

زیرا که هدف چنین تقسیمی حفظ امتیازات این طبقات است • لئوی جبهه واحد ضد امپریالیستی ، خواست اتحاد نزدیک با جمهوری پرولتاری شوروی است • بعد از طرح این شعار ، باید مبارزه قاطعی را برای حداکثر دمکراتیزه کردن رژیم سیاسی آغاز کرد تا عناصری که از لحاظ اجتماعی و سیاسی ارتجاعی ترین عناصرند از هرگونه پشتیبانی محروم شوند ، و آزادی تشکلات کارگران که به آنها اجازه می دهد برای منافع طبقاتی خود ( خواست جمهوری دمکراتیک ، اصلاحات ارضی ، اصلاح

مالیات ارضی ، سازماندهی دستگاه اداری که بر اساس خود حکومتی وسیع پایه گذاری شده باشد ، قانون کار ، حمایت از کار ، اطفال ، مادران و نوزادان ، و غیره ) مبارزه کنند ، ضمانت شود • طبقه کارگر حتی در سرزمین ترکیه مستقل هم از آزادی تجمع بهره مند نیست ، و این میتواند نشانه مشخصه رفتار اتخاذ شده توسط ناسیونالیست های بورژوا نسبت به پرولتاریا باشد •

## درباره جبهه واحد

( مطالبی برای گزارش در مورد مسأله کمونیسم فرانسه )

### ۱- مشاهدات عام درباره جبهه واحد

۱- وظیفه حزب کمونیست رهبری انقلاب پرولتاری است • حزب کمونیست برای اینکه بتواند پرولتاریا را جهت کسب بلاواسطه قدرت فراخوانده ، در این امر توفیق یابد ، می باید به اکثریت قریب به اتفاق طبقه کارگر اتکاء کند •

تازمانی که حزب ، این اکثریت را بدست نیاورده ، باید جهت کسب آن مبارزه کند •

حزب فقط از طریق حفظ استقلال مطلق سازمان خود و برنامه ای روشن و انضباط اکید داخلی ، قادر به انجام این مهم خواهد بود • به این دلیل است که حزب مجبور بود هم از نظر ایدئولوژیک و هم از نظر تشکیلاتی از رفرمیست ها و سانتریست ها ، که در راه انقلاب پرولتاری نمی کوشند ، و نه گنجایش و نه خواست آماده کردن توده ها را برای انقلاب دارند ، و با کل کردارشان به این کار صدمه می زنند ، ببرد • هر عضوی از حزب کمونیست که بخاطر انشعاب از سانتریست ها تحت عنوان "اتحاد نیروها" یا "اتحاد جبهه" افسوس می خورد ، بدین ترتیب نشان می دهد که الفبای کمونیسم را نمی داند و وجود خودش هم در حزب کمونیست امری است اتفاقی •

۲- بعد از آنکه حزب کمونیست از استقلال کامل و از همگونی ایدئولوژیک در صفوفش اطمینان حاصل کرد ، جهت نفوذ بر اکثریت طبقه کارگر مبارزه می کند • بنا بر شرایط عینی و اقتضای تاکتیک های اتخاذ شده ، این مبارزه می تواند تندتر یا کندتر پیش رود •

ولی کاملاً بدیهی است که زندگی طبقاتی پرولتاریا در خلال این دوره تدارک برای انقلاب ، موقوف نخواهد شد • برخورد با صاحبان صنایع ، با بورژوازی و با قدرت دولتی بنا بر ابتکار عمل یکی از دو جناح [ پرولتاریا یا بورژوازی ] مسیر مقتضی خود را طی می کند •

تا آنجائیکه در این برخورد ها ، منافع حیاتی کل طبقه کارگر ، یا اکثریت آن ، و یا این یا آن بخش آن مطرح باشد ، توده های کارگر نیاز به اتحاد در عمل ، اتحاد برای مقاومت علیه حملات سرمایه داری و یا اتحاد بمنظور تهاجم علیه آن را ، احساس می کنند • هر حزبی که مکانیک وار خود را در مقابل این نیاز طبقه کارگر به اتحاد در عمل قرار دهد ، بی شبهه در نظر کارگران مقصر قلمداد خواهد شد •

در نتیجه ، مسأله جبهه واحد بهیچوجه چه در اصل و چه در محتوی ، مسأله روابط متقابل بین فراکسیون پارلمانی کمونیست و فراکسیون سوسیالیست ها ، و یا بین کمیته های مرکزی دو حزب و یا بیین *L'Humanite* و *Le populaire* ، نیست • مسأله جبهه واحد - غیرمغرب این واقعیت که در این دوران انشعاب بین سازمان های مختلف سیاسی متکی به طبقه کارگر اجتناب ناپذیر است - از نیاز بهرم طبقه کارگر به حصول امکان ایجاد جبهه واحد در مبارزه علیه سرمایه داری نا - شی می شود •

